

پیام بہائی

برہائی سادہ

مؤسسه ملی مطبوعات امری

۱۲۸ هجری

«ای اهل عالم سر پرده یگانگی بلند شد،
چشم یگانگان کید بگیرا بسیند همه با یکدیگر
در یک یک شاخار..»

«ای دانیان اُمم، از یگانگی چشم بردارید
و به یگانگی ناظر باشید و به اسبابی که سبب
راحت و آسایش عموم اهل عالم است تنگ
جوئید. این یک شهر عالم یک وطن و یک
مقام است..»

«حضرت بهاء الله»



« رنگ جهان در دست پزشک دانا است .
در درامی بیند و به دانی درمان میکنند .
هر روز را رازی است و هر سر را آوازی .
درد امروز را درمانی و سر دارا درمان دیگر .
امروز را نگران باشید و سخن از امروز رانید
دیده میشود گیتی را درد های بی کران فرا گرفته
و او را بر بستر ناکامی انداخته . مردمانی
که از باده خود بینی سرمست شده اند پزشک
دانا را از او باز داشته اند . همت که خود
و همه مردمان را گرفتار نموده اند . نه دردمی دارند
نه درمان میشناسند .

راست را اگر انگاشته اند و دوست را دشمن
شمرده اند . »

« حضرت بهار الله »

متجاوز از یکصد سال پیش که اهل عالم
 در خوابی عمیق غنوده بودند و نسبت به
 آینده خود در غفلت و بی خبری کامل بسر
 میبردند، شخصیت عظیمی در ایران ظهور
 کرد و بعنوان طبیب الهی و نجات دهنده
 بشریت به جهانیان اعلام فرمود که "بزودی"
 کاروان انسانی بر سر دوراهی سرنوشت
 قرار خواهد گرفت: انهدام عالم یا
 اتحاد آن. و او آن کسی است که از جانب
 خداوند مأمور شده است تا این کاروان خسته
 و درمانده را بسوی تنهاراه نجاتش، یعنی
 وحدت عالم انسانی، هدایت نماید.

این شخصیت بزرگ، حضرت بهاء الله
 مؤسس دینت جهانی بهائی بودند.

در سال ۱۸۶۸ میلادی، یعنی
 سالیان بسیاری قبل از کشف نیروی اتم،
 حضرت بهاء الله در آثار خود چنین نوشتند:
 "اسباب عجیبه غریبه در ارض موجود

ولکن از افئده و عقول مستور و آن اسبابی
است که قادر است بر تبدیل هواء ارض کلهای
و سمیت آن سبب هلاکت .. "

مهم است این نکته را بدانیم که این
پیام در زمان حیات حضرت بهاء اللہ
یعنی قبل از سال ۱۸۹۲ میلادی انتشار
یافت . این پیشگوئی عجیب مدت ها بعد
(ولی هنوز قبل از کشف نیروی اتم) بوسیله
فرزند ایشان حضرت عبدالبها در سال ۱۹۱۲
به Viscount Arawaka سفیر

ژاپن در پاریس بدین نحو تکرار گشت :

" در عالم وجود قوه عظیمه ای موجود
که خوشبختانه تا بحال مکتوم مانده است .
باید از خداوند مسئلت نمائیم ما را مگر
مدنیت روحانیه بر عقول و افکار بشر تسلط
نیافته علم موفق به کشف آن نگردد . چه
این نیرو هرگاه بدست نفوس فرومایه افتد
قادر است بر انهدام کل ارض " . (ترجمه)
بسیار جالب توجه است که ایمن
پیشگوئی درست به سفیر همان مملکتی
گفته شد که مقدر بود اولین بمب اتمی در آن

منفجر شود .

امروز آن "بزودی" و آن وقت موعود فرا رسیده است . نیروی عجیب و حیرت انگیزی که در زمین نهان بود عیان گشته است . هنگامیکه يك قرن پیش این حقیقت تلخ اعلام شد احدی از ماهیت این "اسباب عجیبه" و این "قوه عظیمه" خبری نداشت . امروز نفسی نیست که از آن آگاه نباشد . معذک بی مورد نیست یاد آور شویم که قوه مخرب فقط يك بمب هیدرژنی ، از آن نوع که در سال ۱۹۵۴ بطور آزمایشی در *Namu* واقع در جزائر بیکنی افکنده شد مساوی است با قوه مخرب مجموعه بمبهای که در جنگ دوم بین الملی بوسیله تمام دول بر تمام بلاد فروریخته شد . چنین بمبی قادر است که بفوریت ۳۵ میلیون انسان یعنی دو برابر عدّه کشته شدگان در هر دو جنگ بزرگ جهانی را نابود سازد .

نباید فراموش کرد که حتی آن بمب نیز اکنون دیگر کهنه شده است . سلاحهای مخوف تر و مرگبارتر آنرا کاملاً تحت الشعاع

قرار داده است. ولی آیا قدرت تخریبی و مرگ آور همان بمب ۱۹۵۴ کافی نیست که لرزه براندام هر انسان آگاهی بپفکند؟ آیا هنوز احدی میتواند تردیدی بسدل راه دهد که یک جنگ جهانی دیگر قادر است مدنیت بشری را از صفحه زمین محو نماید؟ و با این وصف آیا نفسی میتواند شکی داشته باشد که تنهاراه نجات بشریت از عظیم ترین خطر و مصیبتی که تا کنون زمین آلوده است وحدت عالم انسانی است؟

آیا این وحدت ممکن است؟

وحدت عالم انسانی وتشکیل یک دنیای متحد، بر طبق پیام حضرت بهاء الله، نه تنها امکان دارد و نه فقط تنهاراه ممکن برای نجات بشریت است؛ بلکه راهی است که خداوند از ازل برای نوع انسان مقدر فرموده است. وقتی به یک تخمه سیب مینگریم بظاهر کمترین نشانه ای از درخت یا میوه سیب بچشم نمیخورد. اما در این دانه کوچک ریشه، تنه، شاخه، برگ، شکوفه و بالاخره میوه بالقوه نهفته و

مستتر است. بعبارت دیگر در این دانه کوچک تمام مراحل، از ریشه تا میوه، از قبل مقرر گشته است. بهمین نحو در شجرهٔ انسانی نیز از ابتدا میوهٔ وحدت عالم انسانی منظور نظر پروردگار بوده است. نگاهی به مراحل تکامل اجتماع بشری نشان میدهد که وحدت خانواده، قبیله، مدینه، ملت و بالاخره در زمان ما اتحاد چندین مملکت یکی پس از دیگری تحقق یافته و کاملاً به ثمر رسیده است. هدف وحدت جهان است. وحدتی که خداوند برای بشر مقدر داشته است.

وحدت جهان چگونه میتواند تحقق یابد؟

همانطور که در ازدواج و اتحاد ناگستنی و سعادت مندانهٔ دو انسان وحدت قلبها و توافق روحی و فکری شرط اساسی است، همانگونه نیز شرط اساسی وحدت عالم انسانی عبارت از وحدت افکار و قلوب و وجدان بشری است.

حضرت عبدالبهاء در نامهٔ جوابیه ای که

به هیئت مرکزی جمعیت لاهه برای
اجرای صلح عمومی مرقوم داشته اند
میفرمایند :

” نفسی نمانده که وجدانش شهادت
براین ندهد که الیوم درعالم انسانی امری
اعظم از صلح عمومی نیست .

..... ولی نفوس آگاه ملاحظه
مینمایند که مسئله واحده چنانکه بایست
و شاید نفوذ در حقیقت انسانیه ننمایند
زیرا تا عقول بشری اتحاد حاصل نکنند
هیچ امر عظیمی تحقق نیابد . حال صلح
عمومی امری است عظیم ولی وحدت وجدان
لازم است که اساس این امر عظیم گردد
تا اساس متین شود و بنیان رزین گردد .
لکن از آنجا که مسئله عقول و وجدان
بشری مسئله ای روحانی و عاطفی است
اتحاد آن نیز محتاج به اکسیری روحانی
و عاطفی است که آن را دین مینامند .

دین بزرگترین قوه ای است که قادر
است افکار و قلوب را بهم نزدیک کند
و ملل و اقوام و نژادها و مذاهب مختلف

دنیا را در پرتو اتحادی ابدی تلفیق
و ترکیب نماید .

" نفوذ قوه بشر محدود است این قوه
میتواند دونفر یا دو قبیله یا دو جامعه
یا حداکثر دو ملت را متحد کند . در عین
حال معترف و مدعن است که این اتحاد
موقتی است و هر آن ممکن است با همسوی
و همسویکی از طرفین گسسته شود .

" ولی قوه الهی ملل و امم را متحد
میکند و طی قرون و اعصار آنان را بارشته
مودت و اخوت به یکدیگر وابسته مینماید . . .
پس برای تحقق چنین هدفی قوه الهی
لازم است .

" ارتباط مصنوعی بین ابناء بشر جز
از این راه ممکن نیست . شاید يك اتحاد
موقتی برای چند سالی تحقق یابد و افراد
بشر از عناصر مختلف با هم اتحاد و اتفاقی
پیدا کنند ولی احتیاج به آتش گدازنده
هست تا آنان را کاملاً با هم ترکیب نماید .
در عالم انسانی آن آتش گدازنده قوه
روح القدس است که اجزاء و عناصر

مختلف را که همان مذاهب و ملل و فرق
مختلف باشند کاملاً با یکدیگر ترکیب
مینماید*

(ترجمه از بیانات حضرت عبدالبهاء
نقل از کتاب آرامش برای جهان پر آشوب)

وحدت ادیان - اما چگونه ؟

آیا وحدت ادیان امکان پذیر است ؟
چگونه میتوان اینهمه مذاهب و فرقه های
متعدد و مختلف را متحد کرد ؟ برای بررسی
این مسئله بد نیست ابتدا با سفری
به چند هزار سال قبل به زمان حضرت ابراهیم
باز گردیم :

روزگاری بود که بشر خداهائی بیشمار
و گوناگون از سنگ به اشکال مختلف
میتراشید . شاید بتعداد فرقه های
متعدد زمان ما در آن روزگار انواع مختلف
خداهای سنگی وجود داشت .

در چنان زمان و شرایطی ، پیامبری بزرگ
چون حضرت ابراهیم ظهور کرد و گفت :
از این پس باید فقط يك خدای واحد را

ستایش کنید . خدائی که از سنگ نیست
و بدست شما ساخته نشده . اورا نمیتوان
لمس کرد و بچشم نمیتوان دید .

خوب تصورش را بنمائید که این ادعا
چه جنجالی میبایست در آن زمان بپا کرده
باشد . حداقل اعتراض مردم میبایست
این بوده باشد که : ای مرد ، این چه
سخنی است که بر زبان میرانی ؟ ما صاحب
صدها خدا هستیم که خودمان با دست
خود ساخته ایم . آنان را بچشم می بینیم
و با دست لمس میکنیم . حال تو از ما
میخواهی که فقط يك خدا را ستایش کنیم
و آنها خدائی را که نمیتوان دید و لمس
کرد ؟ !

آری قبول پیام حضرت ابراهیم غیر ممکن
مینمود . اما از آنجا که نیروی حقیقت عاقبت
پیروز میگردد ، خداهائی که ساخته دست
انسان بود یکی پس از دیگری بزمین افکنده
شد و بشر همان خدای یکتای حضرت ابراهیم
راستایش کرد .

در زمان مانیز ممکن است پیام حضرت

بهاء الله " وحدت عالم انسانی بوسیلهٔ
 وحدت ادیان " همانقدر غیر ممکن بنظر
 برسد . ولی نکته ای که در خورتوجه است
 این است که پیام بهائی میگوید وحدت
 ادیان هم اکنون وجود دارد و همیشه نیز
 وجود داشته است . لکن اکنون وقت آن ^{سید}
 که مردمان چشمان خود را باز کنند و حقیقت
 این وحدت را بچشم ببینند .

يك افسانهٔ قدیمی و فلسفی ایرانی
 چنین تعریف میکند که روزی گروه کثیری از
 پرندهگان سفری طولانی و پرمخاطره را برا^ی
 یافتن سیمرغ آغاز مینمایند . در این راه طولانی
 بامصائب و بلایا و مخاطرات فراوان روبرو
 میشوند . رفته رفته از عدهٔ جویندگان
 کاسته میشود . عده ای از رنج و مشقت سفر
 جان میدهند و گروهی از یافتن مایوس
 شده از ادامهٔ سفر ^سباز میزنند . ماهها
 و سالها میگذرد . شبی باقیماندهٔ مرغان
 خسته و کوفته ، آتشی افروخته و برای
 استراحت دور آن گرد آمده بودند .
 سردسته پرندهگان برای دانستن عدهٔ

همسفران شروع بشمردن آنان میکند .
 ناگهان چنان فریادی از شادی برمیگردد
 که دل مرغان را بلرزه درمیآورد :
 " دوستان ، دوستان ! سیمرغ را تماشا کنید !
 سیمرغ را تماشا کنید ! " مرغان باهیجان
 با اطراف مینگرند ولی چیزی نمی یابند .
 سردسته مرغان ادامه میدهد :
 " پرندۀ معبود ما امشب در میان ما است .
 آنکه در راهش جانها فدا کردیم امشب
 اینجا است . خوب باین جمع بنگرید . ماسی
 نفریم . " سی مرغ " هستیم . سیمرغ در وجود
 ما است ."

امروز وقت آن رسیده است که عالم
 بشری نیز سیمرغ وحدت را در وجود خودش
 جستجو کند (۱) این جستجو که در دیانت
 بهائی " تحری حقیقت " نامیده میشود
 و از تعالیم اساسی این دیانت است چون
 سرمه ای جادویی است که چشمها را بینا
 میکند و انسان جوینده را قادر بدیدن سیمرغ

(۱) منظور وحدت عالم انسانی است . با

وحدت وجود بمعنی Pantheisme
 اشتباه نشود .

وحدت مینماید :

از آنجا که يك خدا خالق زمين و آسمانها است، جميع پیامبران بزرگ الهی نیز خود را فرستاده يك خدا اعلام نمودند و پیام آنان نیز در اصل و اساس فقط يك پیام یعنی " محبت، برادری، یگانگی و عدالت " است . بنابراین فقط يك دیانت وجود دارد و آن دیانت خداوند است .

در واقع این از مهمترین و مؤثرترین جوانب پیام بهائی است که ادیان بزرگ را مراحل مختلف يك دین واحد الهی محسوب میدارد و هر کدام از آنها را عیناً بمنزله مرحله ای از مراحل مختلف رشد و تکامل دانه، از ریشه، تا میوه، معرفی مینماید .

هر کدام از پیامبران بزرگ الهی در زمانها و ادوار مختلف بر حسب درجه و قابلیت ادراک و احتیاجات متفاوت بشری ظاهر میشوند و هر يك فصلی از کتاب عظیم آسمانی را بانسان میآموزند . ظهور آنها

بهیچوجه تصادفی نبوده و جمیع آنان برای اجرای نقشهٔ عظیم الهی فرستاده شده اند. طبق همین نقشه بوده است که حضرت ابراهیم ظاهر شد و ایمان بخدای یکتا را در بین مردمانی که بتعداد نفراتشان دارای خدایان متعدد و عقاید مختلف دربارهٔ آنان بوده اند پی ریزی کرد و بمرور زمان وحدت فکر و عقیده و وجدان را در مورد ایمان به خدای یگانه قادر و متعال بوجود آورد.

سپس پیامبرانی بزرگ چون حضرت کریشنا، موسی، زرتشت، بودا، مسیح و حضرت محمد طبق همان نقشهٔ عظیم الهی عالم انسانی را طی چند هزار سال در ظل چند وحدت بزرگ متحد گردانیدند. هدفی که از بدو خلقت در آن نقشهٔ الهی برای نوع بشر مقدر گشته اینست که عاقبت این واحدهای کوچکتر نیز در یک وحدت عظیم عمومی و عالمگیر متحد گردند.

حضرت بهاء الله متجاوز از یکصد سال پیش در آثارشان که بالغ بر یکصد جلد کتاب

میشود بگرات و بانهایت صراحت به تمام
 بشر و سلاطین و زمامداران مهم زمان خود
 اعلام فرمودند که رسالت آسمانی ایشان
 بمنظور تحقق همان هدف نهائی یعنی
 وحدت عالم انسانی در ظل دیانتی عالمگیر
 و جهانی است . و نیز صریحا اعلام فرمودند
 که ایشان همان موعودی هستند که همه
 ادیان بزرگ الهی ظهورش را از هزاران
 سال پیش در کتب آسمانی خویش بشارت
 داده اند . یا بعبارت دقیق تر " آواتار
 کریشنا " ی د هم موعود هندوهـا ،
 رب الجنود و مسیح موعود قوم یهود ،
 شاه بهرام موعود زرتشتیان ، بسودای
 پنجم موعود بودائیان ، بازگشت مسیح
 موعود مسیحیان و بالاخره مهدی منتظر
 و مسیح موعود اسلام میباشد .

صلح جهانی بوسیلهٔ نظمی بدیع و جهانی

مدنیتی که روحا و جسما مریش است،
 احتیاج به هر دو نوع مد اوای روحانی
 و جسمانی دارد. حضرت بهاء اللّٰه
 بعنوان طبیب حاذق الهی، نه تنها در دای
 دنیای بشری را یکصد سال قبل از بروز آن
 پیش بینی کردند، و نه تنها نسخهٔ آن یعنی
 وحدت عالم انسانی را نوشتند، بلکه
 در حقیقت در اروی آن را نیز بدست خویش
 تهیه نمودند. در این نسخهٔ معجز آسای
 الهی، وحدت ادیان بعنوان در اروی روحا
 در دای جهان، و بموازات آن تأسیس
 نظمی بدیع بعنوان در اروی نجات دهنده
 مدنیت عصر ما تجویز شده است. اینک گفته
 شد که در اروی آن را بدست خود تهیه کردند
 بدین سبب است که از تأسیس نظمی بدیع
 فقط به اسم بردن اکتفا نشده بلکه راه حل
 و چگونگی تشکیل آن بدقت کامل و با تمام
 جزئیات بیان گردیده است و ما پس از آنکه
 باختصار چگونگی تشکیل چنین نظمی را

شرح دادیم، نشان خواهیم داد که این
 دارو هم اکنون بصورت نمونه در نیای ما
 وجود دارد .

طرحی برای نظمی جهانی
 ~~~~~

بالاترین درجهٔ تکاملی از موکراسی  
 که بعضی از مرقی ترین ممالک دنیا<sup>ز</sup> امرو  
 ما بآن رسیده اند اینست که دو حزب  
 بزرگ در کشوری تشکیل میشود . هر کدام  
 از دو حزب يك کاندیدا انتخاب مینماید  
 و سپس تمام اهالی بالغ آن کشور از جوان  
 و پیر ، دانشمند و بی سواد ، عاقل و نادان ،  
 متعصب و بی تعصب ، انسان دوست  
 و دشمن نوع انسان ، صلح طلب و جنگ  
 طلب و خلاصه همه و همه مستقیماً و در يك  
 سطح در این انتخابات شرکت میکنند  
 و جملگی ، با وجود تفاوت فاحش در صلاحیت ،  
 به يك اندازه در سرنوشت مملکت خود  
 تأثیر میگذارند . اینست که تا آخرین  
 لحظه معلوم نیست عاقبت چه کسی روی صحنه  
 باقی میماند .

در این طرز انتخابات امکان آن هست  
 که اصولاً هیچکدام از دو کاندیدا بهترین  
 مرد واجد تمام شرایط نباشد . ممکن است  
 یکی از آنها دارای تمام شرایط باشد  
 ولی کاندیدای دومی که واجد شرایط  
 نیست انتخاب گردد . هر دوی این  
 امکانات میتواند برای آن کشور و حتی برای  
 تمام دنیا فاجعه و مصیبت ببار آورد .

اکنون به نظم بدیع جهانی که یک  
 قرن پیش بوسیله حضرت بهاء الله طرح  
 شد ( یعنی زمانیکه حتی عنوان آن برای  
 جهان مفهومی نداشت ) توجه فرمائید :

### مرحله اول

کلیه مردم بالغ هر ده یا شهر  
 با اجتناب کامل از آنتریک و پروپاگاندا  
 و بدون کاندیدا ، یک مرتبه در سال ۹ نفر  
 از بهترین ، صالح ترین ، انسان ترین  
 و لایق ترین افراد خود را بعنوان اعضاء  
 مجلس آن شهر با کثرت آراء انتخاب میکنند .  
 مسئولیت کلیه امور محلی آن ده یا شهر  
 بدست این ۹ نفر است که همه آنان

بایکدیگر مقام مساوی دارند و جمیع تصمیمات را بوسیله مشورت و سپس رأی اکثریت اتخاذ مینمایند .

### مرحله دوم

در انتخاب مجلس ملی ، کلیه مردم زیرای هر شهری ، سالی یکبار یک یا چند نماینده به نسبت جمعیت آن شهر از بین تمام اهالی ( چه از بین اعضاء مجلس محلی و چه سایر اهالی شهر ) انتخاب مینمایند . این نمایندگان که منتخب مردمان هر شهر هستند در پایتخت مملکت مجتمع میشوند و برجسته ترین ۹ نفر ممکن را ( چه از بین خود و چه از بین سایر اهالی کشور ) به رأی اکثریت برمیگزینند این ۹ نفر مجلس ملی کشور را تشکیل میدهند و اداره جمیع امور ملی و هدایت کلیه مجالس محلی یا شهری آن مملکت را بعهده دارند .

### مرحله سوم

پس از آنکه مردم هر شهر از هر مملکت دنیا نمایندگان خود را انتخاب کردند و نمایندگان شهرها اعضاء مجلس ملی خود

را از بین تمام اهالی کشور برگزیدند  
 اکنون انتخاب اعضاء مجلس جهانی آغاز  
 میگردد . برای این منظور، اعضاء مجالس  
 ملی تمام کشورهای جهان که انتخاب شده  
 انتخاب شدگان هر مملکت اند در نقطه ای  
 مجتمع میگردند و از بین گلیه رجال کره ارض  
 بهترین و برجسته ترین و صالح ترین  
 و شایسته ترین و نفر ممکن را باز برای  
 اکثریت انتخاب مینمایند . این و نفر  
 منتخب منتخب منتخبین اهالی کره زمین  
 میباشند و عینا خالص ترین و زلال ترین  
 آبی را میمانند که پس از عبور از سه لایه  
 صاف کننده فشرده و فشرده تر و بسیار  
 فشرده بدست آمده و به دروی تعالیم  
 الهی از هرگونه آلودگی مبرا گشته است .  
 این مجلس جهانی، اداره امور بین المللی،  
 رهبری مجالس ملی کشورها و نگهداری  
 صلح جهانی را بعهده دارد .

چنانکه ملاحظه میشود باین ترتیب  
 نه تنها هر فرد از افراد بالغ جامعه  
 انسانی و هر شهر و هر مملکت کره زمین

در انتخاب این مجلس جهانی شرکت خواهد داشت، بلکه طی سه مرحلهٔ محلی و ملی و بین‌المللی مسئولیت انتخاب در هر مرحلهٔ بالا تر بعهدهٔ افراد بصیرتر و با صلاحیت تر محول خواهد گشت .

ثانیا در انتخابات این نظم بدیع، تبلیغات و پروپاگاندا مطلقا ممنوع شده و از این رو فقط انسانیت افراد، ایمان، کردار، صلاحیت و شایستگی آنان است که ملاک انتخاب است .

ثالثا از آنجا که این مجلس جهانی ( مانند مجالس محلی و ملی ) از نه نفر تشکیل میگردد و آنان کلیهٔ تصمیمات را پس از مشورت به رأی اکثریت اتخاذ مینمایند؛ هرگونه امکانی برای ایجاد حکومتی که ناشی از ارادهٔ عامهٔ مردم نباشد برای همیشه منتفی میشود .

## مدل نظم جهانی آینده

~~~~~

مردم میگویند این ایده آل است .
 فوق العاده است ، عدالت محض و موکراسی
 بی نظیر و بی مانند است . اما میپرسند :
 آیا چنین چیزی ممکن است ؟ کدام نیروی
 خارق العاده ای قدرت بوجود آوردن آنرا
 در خود سراغ دارد ؟ بسیاری نیز از همان
 ابتداء مهر "غیر ممکن" را روی چنین فکری
 زده خیال خود را آسوده میسازند !

در مقابل اینهمه تردید و بی اعتقادی
 و بی تفاوتی مردم زمان ما، در مورد امکان
 ایجاد چنین نظم بدیعی ، دیانت بهائی
 يك جواب قاطع و يك پاسخ حیرت انگیز
 دارد و آن اینست :

نظم جهانی حضرت بهاء الله
 نه فقط ممکن است ، بلکه هم اکنون واقعیتی
 است که بصورت يك مدل كوچك ولی زنده
 و کامل در دنیای ما وجود دارد .

حقیقت آنست که در دنیای ما از زمانیکه
 بشر شروع بشناختن خود کرد تاکنون ، جمیع
 امور مثبتی که روی کره زمین انجام شده و تمام

اختراعات و اکتشافات ظاهرا غیرممکنی که
 ممکن گشته است بدست افراد معدودی
 انجام یافته که معتقد و مؤمن بوده اند که
 آن کار ممکن است گننه بدست آن اکثریتی
 که اطمینان بعدم امکان آن امر داشته اند.
 از این رو دیانت بهائی نیز از بدو
 تاریخ خود در دنیای یک قرن پیش که
 کلمه وحدت جهانی حتی برای زمامداران
 آن زمان معنی و مفهومی نداشت، کاملاً
 واقف و آگاه بود که برای تحقق چنین هدف
 عظیمی نمیتوان منتظر اقدام و عمل دیگران
 نشست. لهذا از همان هنگام طفولیت
 تاریخ خویش با دستهای بظاهر نحیف
 اما بادللی پر از شهامت و ایمان و مملو
 از عشق به تمام بشریت بذرافشانی
 های نظم جهانی حضرت بهاء الله را در کشتزار
 مستعد موجود، یعنی مابین پیروان خود
 آغاز نمود و نظم بدیع را بتدریج و مرحله
 به مرحله در مجامع و تشکیلات بهائی
 جهان پیاده کرد.

از تاریخ اظهار امرعلنی حضرت

بهاء الله در سال ۱۸۶۳ میلادی درست مدت یکصد سال فداکاری و از خود گذشتگی و کوشش خستگی ناپذیر لازم بود تا دیانت بهائی نشر یابد و شناخته شود و تا درجه ای عالمگیر گردد که بتواند تاج و هاج تشکیلات جهانی بهائی یعنی اولین بیت العدل اعظم الهی را انتخاب نماید و بنای آخرین مرحله نظام جهانی خود را بپایان رساند (۱). در ۲۱ آوریل ۱۹۶۳ این واقعه بی نظیر عظیم و باشکوه تاریخی که بهائیان عالم یک قرن تمام در آرزو و انتظارش بودند بوقوع پیوست و بیت العدل اعظم، هیئت مجلله ای که طبق نصوص مبارک بهائی و ایمان راسخ و قلبی بهائیان عالم "مرجع کل امور" و "ممد رگل خیر" و "محفوظ و مصون از خطا" و "آنچه قرار دهند من عند الله است" یا بعرضه وجود نهاد.

(۱) سه مرحله ای که در طراحی نظامی جهانی به عالمیان پیشنهاد شده است در تشکیلات دیانت بهائی بترتیب: محافل محلی و ملی و در مرحله آخر بیت العدل اعظم موسوم گشته است.

اینک در جهان پر آشوب ما درد نیائی
 که جنگ و خونریزی و رقابت های سیاسی
 و اقتصادی و اختلافات و تعصبات
 بنیان برانداز گوناگون بیش از هر زمان
 دیگر اجتماع بشری را بستوه آورده ، در
 دنیائی که مهمترین و عظیم ترین قسمت
 ثروت های جهان بجای بر طرف کردن فقر
 و گرسنگی و بیماری و بیسوادی و نادانی ،
 برای تهیه سلاح های نابود کننده و
 تجهیزات جنگی مصرف میشود ، و بالاخره
 در دنیائی که وحشت و هراس يك جنگ
 جهانی مرگبار با سلاح های هسته ای سایه
 مخوف خود را چون طوفان نوح بر بشریت
 افکنده است ، در چنین دنیائی ، مدلسی
 کامل و زنده از يك دنیای متحد مبنی بر
 پایه های محبت و عدالت ساخته شده است
 که بمنزله آخرین پناهگاه بشریت است
 و بطورشگفت اندیزی داستان کشتی نوح را
 در خاطره ها زنده میکند (۱)

(۱) رجوع شود به انجیل متی فصل ۲۴

بلسی در چنین دنیائی که عداوت
 و نفرت بین ملل و اقوام و نژادها و مذاهب
 حکمفرمائی میکنند، دیانتی جهانی ظهور
 کرده است که با قدرت های آسمانی خود
 عرب و یهودی، شرقی و غربی، سیاه و سفید،
 زرد پوست و سرخ پوست، یهودی و مسیحی،
 زرتشتی و بودائی، مسلمان و هندو و حتی
 بی دین و شکاک و هیپی، این همه را که
 تا چندی پیش یادشمنان سرسخت یسا
 نسبت به سرنوشت هم کاملاً بی اعتنا بودند
 بمعنی واقعی کلمه دوست و برادر ساخته
 است .

امروز صدها هزارتن از تمام ملل،
 طبقات، نژادها و گوناگون و سوابق مختلف
 مذهبی در سرتاسر کره زمین در ظل نظمی
 جهانی و لواء دیانتی واحد متحد گشته اند
 و بنیان گذار مدنیته جهانی شده اند که
 هدف آن اتحاد و برادری اهل عالم است.
 در اینجا دیگر صحبت از عرب و یهودی
 در میان نیست زیرا با قدرت پیام هستی بخش
 و شفادهند حضرت بهاءالله این دو دیگر

اکنون با دیداری که دیگر اشک شوق از دیده جاری میسازند . دیگر صحبت از سیاه و سفید و زرد و سرخ و قهوه ای در بین نیست . زیرا در اینجا از دل و جان خود را متعلق به نژاد واحدی میدانند که نام آن نژاد بشری است و تفاوت رنگها و نژادها برایشان فقط سبب زیبائی و تنوع است .

در اینجا دیگر صحبت از شرق و غرب نیست . زیرا گرچه به وطن های خود بعلت آنکه زادگاه آنان است عشق میورزند و موظف به وفاداری نسبت بآن گشته اند لکن همگی خود را متعلق به وطن بزرگی میدانند که نام آن کره زمین است .

اینها شاید برای خیلی ها اغراق آمیز و تصورات شاعرانه بنظر بیاید ولی بایست که تشکیلات بهائی را در سراسر جهان با چشم دید تا بتوان به صحت این معجزات ایمان پیدا کرد .

توسعه و پیشرفت امر بهائی در جهان

بسیاری از محققین غربی از دیانت

بهائی بعنوان "یکی از سریع‌الانتشارترین

ادیان جهانی در تاریخ مذاهب" نام

برده‌اند. آمار ذیل که انتشار و پیشرفت

امر بهائی را در جهان بین سالهای

۱۹۶۷ و ۱۹۷۱ نشان میدهد شاهدی

گویا و مؤید صحت این قضاوت است :

آمار توسعه دیانت بهائی تا سال ۱۹۶۷

۲۸۴۱۳	(۱) تعداد مراکز بهائی در سراسر عالم
۳۱۱	(۲) تعداد ممالکی که مراکز فوق در آنها تأسیس شده است
۶۰۰۰	(۳) تعداد محافل روحانی محلی که در ممالک فوق تأسیس یافته
۸۱	(۴) تعداد محافل روحانی ملی که بوسیله محافل محلی فوق انتخاب گشته
۱۰۵۴	(۵) تعداد اقلیت‌ها و قبائل مختلفی که در ظل امر بهائی وارد شده‌اند
۴۰۷	(۶) تعداد زبانهای که آثار و نوشته‌های بهائی بدانها ترجمه شده

آمار توسعهٔ دیانت بهائی تا ۱۵ ژانویه ۱۹۷۱	
۴۶۷۰۷	(۱) تعداد مراکز بهائی در سراسر عالم
۳۱۷	(۲) تعداد ممالکی که مراکز فوق در آنها تأسیس شده است
۱۰۴۶۱	(۳) تعداد محافل روحانی محلی که در ممالک فوق تأسیس یافته
۱۰۱	(۴) تعداد محافل روحانی ملی که بوسیلهٔ محافل محلی فوق انتخاب گشته
۱۱۳۶	(۵) تعداد اقلیت‌ها و قبائل مختلفی که در ظل امر بهائی وارد شده‌اند
۴۳۷	(۶) تعداد زبان‌هایی که آثار و نوشته‌های بهائی بدانها ترجمه شده

علاوه بر این، دیانت بهائی مبادرت به بنای پنج مشرق‌الانکار یا عبادتگاه در پنج قارهٔ جهان کرده است که هر یک از زیباترین و باشکوه‌ترین بناهای هر قاره بشمار میرود. ابواب این معابد باشکوهی که منحصرأ ب سرمایهٔ بهائیان جهان ساخته شده است بروی همهٔ نژادها و پیروان همهٔ مذاهب برای عبادت گشوده است و بهائیان خود نیز در این معابد علاوه بر آثار مبارکه

بهای از کتب آسمانی تمام ادیان بسز گ
جهان تلاوت میکنند .

نباید ناگفته گذاشت که جامعۀ

بین المللی بهائی ، بعلمت وجه اشتراك
وتشابهی که بین اصول و اهداف آن و ساز
ملل متحد وجود دارد ، تنها جامعۀ

مذهبی بین المللی است که عضویت سازمان

ملل متحد را در قسمت تشکیلات جهانسی

غیر حکومتی و غیر سیاسی آن سازمان دارا^{ست}

این عضویت در ماه مارس ۱۹۴۸ به بهائیان

اعطا شد .

در تاریخ ۲۶ مه ۱۹۷۰ جامعۀ

بین المللی بهائی ، با سمت مشورتی ،

به عضویت شورای اقتصادی و اجتماعی

سازمان ملل متحد درآمد .

دیانت بهائی در ۲۳ مه ۱۸۴۴ میلادی
 با ظهور شخصیت درخشنده ای بنام سید
 علی محمد باب که زندگیش از بسیاری جهات
 زندگی حضرت مسیح را باخاطر میآورد، در
 شهر شیراز آغاز گشت. در آن تاریخ حضرت
 باب، در حالیکه ۲۵ سال از سنش میگذشت،
 اعلام کرد که از طرف خداوند مأمور است
 تا بشریت را برای ظهور قریب الوقوع پیامبر
 بزرگی که تمام ادیان جهان در انتظارش
 هستند و عالم انسانی را بسوی وحدت
 و برادری جهانی رهبری خواهد نمود
 آماده سازد. سخنان و تعلیمات حضرت
 باب چنان تأثیری در مردم داشت که
 مدت کوتاهی عدّه کثیری از تمام طبقات
 مردم ایران با او گرویدند ولی از طرف دیگر
 ادعای وی مخالفت و خشم شدید اولیاء
 امور و بخصوص پیشوایان مذهبی ایران را
 بزرگیخت. حضرت باب دستگیر گشت
 و عاقبت پس از شش سال زندان و تبعید
 در سال ۱۸۵۰ میلادی در سن ۳۱ سالگی

در شهر تبریز بدستور حکومت و فتوای علماء
 بشهادت رسید . همچنین بیست هزار
 نفر از پیروان او تنها بجرم ایمان خود
 به فجیع ترین و تکان دهنده ترین وضعی
 شربت شهادت نوشیدند .

پیام آور بزرگی که حضرت باب ظهورش
 رابه اهل عالم بشارت داد و در راهش
 جان خود را فدای نمود ، حضرت بهاء الله
 بودند . هنگام ظهور حضرت باب ،
 حضرت بهاء الله ۲۷ سال از عمرشان
 میگذشت و بمحض شنیدن پیام باب
 در نهایت قدرت و از خود گذشتگی به
 حمایت و نصرت امر آن حضرت قیام کردند .
 در سال ۱۸۵۲ ایشان نیز از طرف همان
 قوای تعصب و جاهلیت دستگیر شدند
 و مدت چهار ماه در سیاه چال طهران که
 يك زندان زیرزمینی متعفن و مرطوب و كاملا
 تاریک بود و کمتر کسی جان به سلامت از آن
 بدر میبرد زندانی گشتند . زنجیری به
 گردنشان افکنده بودند که از شدت سنگینی
 سر را بزانون میسازید . در چینی

شرایطی بود که بوحی الهی دریافتند که ایشان همان موعودی هستند که حضرت با^ب بظهورش بشارت داده بود. ولی این راز را تا سال ۱۸۶۳ مکتوم داشتند و در این سال قبل از تبعیدشان از بغداد به اسلامبول آشکارا اعلام فرمودند. پس از آزادی از زندان سیاهچال بفرمان ناصرالدینشاه قاجار از ایران به بغداد تبعید گشتند. این آغاز دورهٔ چهارم ساله ای از حبس و تبعید بود که از طرف شاه قاجار و سلطان عثمانی رهبری میشد و تا پایان زندگانی حضرت بهاء الله ادامه یافت و ایشان را از بغداد، اسلامبول و ادرنه بزندان بزرگ عکا رسانید. در فاصلهٔ سالهای ۱۸۶۷ و ۱۸۷۳ بود که حضرت بهاء الله السواح یا نامه های تاریخی خود را برای مهمترین رهبران سیاسی و مذهبی آن زمان فرستادند و پیام و رسالت خود را بآنان ابلاغ نمودند. این زمانه در آن عبارت بودند از پاپ اعظم ^{نسه} (پیوس نهم) ، ناپلئون سوم پادشاه فرانسه ، ویکتوریا ملکه انگلستان ، و یلیهم اول قبرص

آلمان : الکساندر دوم تزار روسیه
فرانتس یوزف قیصر اطریش : عبد العزیز
سلطان عثمانی و ناصرالدین شاه
قاجار (۱) .

حضرت بهاء الله در سال ۱۸۹۲ در
سن ۷۵ سالگی دیده از این جهان
فرو بستند .

حضرت عبد البهاء (۱۹۲۱ - ۱۸۴۴
میلادی) فرزند ارشد حضرت بهاء الله
بموجب وصیت نامه پدر بزرگوارشان بعنوان
مرکز میثاق و مرجع بهائیان و مبین آثار
مبارکه و مثل اعلاى زندگى بهائى معرفی
گشتند . ایشان که از سن هشت سالگی در
تمام بلایا و رنجهای حبس و تبعید، شریک
و همدرد با وفای پدر خویش بودند
تا سالیان سال بعد از درگذشت پدر
بزرگوارشان همچنان زندانی دولت

(۱) در سال ۱۹۶۷ میلادی صدمین
سالگرد نگارش الواح سلاطین مجموعه
نفیسی از ترجمه تمام این الواح از طرف
بیت العدل اعظم الهی برای کلیه
زمامداران، روسای جمهور، پادشاهان و
رهبران جهان امروز ارسال و ارائه گشت.

عثمانی باقی ماندند تا اینکه در سال ۱۹۰۸ میلادی با انقلاب ترك جوان و سقوط خلافت عثمانی آزاد گردیدند و بسال ۱۹۱۰ در سن ۶۶ سالگی سفر سه ساله ای را برای انتشار پیام حضرت بهاء الله به مصر، اروپا و آمریکا آغاز کردند .

در این سفر تاریخی در مساجد، معابد، کلیساها، دانشگاهها و مجامع فرهنگی و فلسفی و غیره در مقابل جمعیت های کثیری اصول تعالیم حضرت بهاء الله را اعلان نموده انتشار دادند و بذره های وحدت عالم انسانی را که از دست پدر گرفته بودند با دست خویش در بسیاری از ممالک دور دست بیفشاندند .

حضرت شوقی ربانی (۱۹۵۷-
 ۱۸۹۷ میلادی) نوه حضرت عبدالبهاء بر طبق الواح وصایای ایشان، بعنوان ولی امر بهائی، با مسئولیت هدایت مراحل تکامل جامعه جهانی بهائیس، محافظت امر، تبیین آثار مقدس بهائیس و ترجمه آنها معین گردیدند .

در مدت ۳۶ سال رهبری دائمی
و مملو از فداکاری ایشان پیام بهائی
در بیش از ۲۵۰ مملکت شرق و غرب
جهان نفوذ یافت .

بطوریکه ملاحظه میشود در دیانت
بهائی حضرت باب ^{مشهور} حضرت
بهاء الله شارع اعظم و مؤسس
و حامل پیام الهی برای عصر جدید
حضرت عبدالبهاء " مبین و مهندس
نظم بدیع " و بالاخره حضرت شوقی
افندی ربانی مجری نظم بدیع میباشند .
هم ایشان بودند که شالوده نظم بدیع
را در سراسر جهان بنا نهادند پایه‌های
رزین آنرا استوار فرمودند تا ضامن
سعادت نوع انسان و ثمره پیام بهائی
در عالم امکان گردد .

چند کلمه دیگر

~~~~~

زمانه ما زمانه ناکامیها، عصیان ها  
 و نابسامانیهای بشر است . هیچگاه بشر  
 از وسائل رفاه و آسایش و تفریح و سرگرمی  
 باین حد برخوردار نبوده است . هیچگاه  
 انسان چون امروز موفق نشده بود نمایشگر  
 چنین معجزات و صحنه های حیرت انگیزی  
 در جهان علم شود که دل زره را بشکافد ،  
 در سفینه ای آسمان پیمای سوار شد ، هرگز  
 ماه پیاده شود و در همان لحظه نهادن  
 اولین گامهای خود را بر یک کره آسمانی  
 به همفروغ خود در زمین نمایش دهد ،  
 قلب سالم انسان مرده ای را جان شین  
 قلب مریض انسان زنده ای کند و آنرا در  
 سینه او به طپش درآورد . تمام این  
 معجزات که تا چندی پیش رویائی بیش نبود  
 اکنون حقیقت گشته است .

ولی شگفتا که هیچ زمانی نیز  
 نوع انسان اینچنین درمانده و مضطرب  
 نبوده و خود را تا این حد تنها و تیزه  
 نیافته است . آمار سرسام آور خود کشی

واعتیاد به الکل و مواد مخدره در زمان ما  
 که در تاریخ بشریت بی سابقه است  
 شاهدی بارز و گویا بر این حقیقت تلخ  
 است. چرا؟ برآستی چرا هرچه جوامع  
 بشری مرفقی تر و پیشرفته تر است  
 افراد انسانی خود را گم گشته تر و  
 سرگردان تر میابند؟

انسان زمان ما چون قایقرانی است

که یکه و تنها میان امواج خروشان دریائی  
 بیکران گرفتار شده است و از بخت بد،  
 مهمترین وسیله یافتن ساحل نجات یعنی  
 قطب نمای خود را از دست داده است  
 و بدون آن دیگر تشخیص شمال از جنوب  
 برایش امکان ندارد زیرا ابرهای تیره  
 ستارگان را نیز پوشانیده است.

این قطب نمای گم شده "مقیاس و معیار"  
 است. بشر بدون آن دیگر خوب را از بد،  
 درست را از غلط و راه را از چاه  
 باز نمی شناسد.

قایقرانی که قطب نمای خود را از دست  
 داده، طبیعتاً هدف و ساحل مقصود را  
 نیز همراه آن گم کرده است. بشرنیز

بدون مقیاس و معیار در مقابل بزرگترین  
 سؤال زندگی خود که " هدف و مقصود  
 از این زندگی چیست ؟ " بدون جواب  
 وحیران و سرگردان است . نمیدانند  
 برای چه زنده است . نمیدانند کجا است  
 و نمیدانند بکدام طرف میروند . از این رو  
 است که اینچنین رنج میبرد و تا این حد  
 از تنهایی و بی هدفی خود تلخکام است  
 و بهمین جهت است که تعادل روحی  
 خود را از دست میدهد ؛ یا برای فرار از  
 تنهایی و تلخکامی خود به الکل و مواد  
 مخدر پناه میبرد و در مرحله آخر رشته  
 زندگی خود را میگسلد .

علت اساسی تمام این دردها  
 و نابسامانی‌های بشر زمان ما ؛ روی برگردان  
 از خدا و قوانین الهی و توجه و روی آوردن  
 به مادیت و ماده پرستی است . زیرا این  
 فقط کارگاه ادیان الهی است که صحیح‌ترین  
 و دقیق‌ترین قطب نماهای مقیاس  
 و معیار را با آدمی عرضه میدارد .  
 مقیاس و معیار صحیح



نیز خود محصول تعالیم و قوانین الهی  
 برای عصر جدید و مطابق احتیاجات زمان  
 است . لکن طوفان زمان ؛ یعنی گذشت  
 يك يا چند هزار سال ؛ قسمت اعظم این  
 قطب نماها را بدریای فراموشی افکنده  
 و باقیمانده را کهنه و فرسوده نموده است .  
 امروز دیانت بهائی است که قطب نمای  
 هدایت را در کشتی خدا در دست دارد .  
 جهت رانشان میدهد ؛ هدف را مشخص  
 میکند و گمگشتگان دریای هستی را با  
 اطمینان و ایقان بسوی ساحل موعود  
 پیامبران ؛ یعنی سرزمین وحدت و یگانگی  
 بشر همراه میبرد .

انسانی که تا دیروز برای فرار از تنهائی  
 نومیدی و بیهودگی زندگی زنگیش راه تبااهی  
 می پیمود ؛ تعادل روحی خود را از دست  
 داده یا بسرحد خودکشی نزدیک شده  
 بود ؛ اکنون در ظل این پیام آسمانی  
 شاهد دگرگونی عظیم وجود خویش میگردد .  
 او که تا چند لحظه پیش مرده ای در وادی  
 غفلت و سرگردانی بود بانوشیدن جرعه ای  
 از ساغر الهی زنده میشود و از نو تولد

می یابند . آنکه تا دیروز بی مقیاس  
و معیار بدون هدف و مقصود ، عاجز  
و سرگردان ، چون پرگاهی خود را با زیچۀ  
افغانها و گردباد های روزگار می پنداشت  
ناگهان در تابش نور خداوندی بخود  
می آید و به مقام والای انسانی خویش  
پی میبرد . او اکنون هدفی چنان شریف  
و الهام بخش یافته است که در پرتو آن زنجها  
و تلخکامی های زندگی برایش نه فقط قابل  
تحمل ، بلکه گوارا و لذت بخش گشته است .  
زیرا که او اینک کارگری از کارگران کارگاه  
الهی است که در خدمت کارفرمای آسمانی  
مؤثرترین ، سازنده ترین و شمر بخش ترین  
کار عالم هستی را انجام میدهد .

آیا میتوان هدفی عظیم تر و باشکوه تر  
از بنای وحدت عالم انسانی و کوششی پرثمرتر  
و پایدارتر از خدمت به تمام بشر برای  
نوع انسان تصور کرد که زندگی او را باین  
پایه غنی و پرمعنی و سرشار از سعادت  
واقعی نماید ؟ .